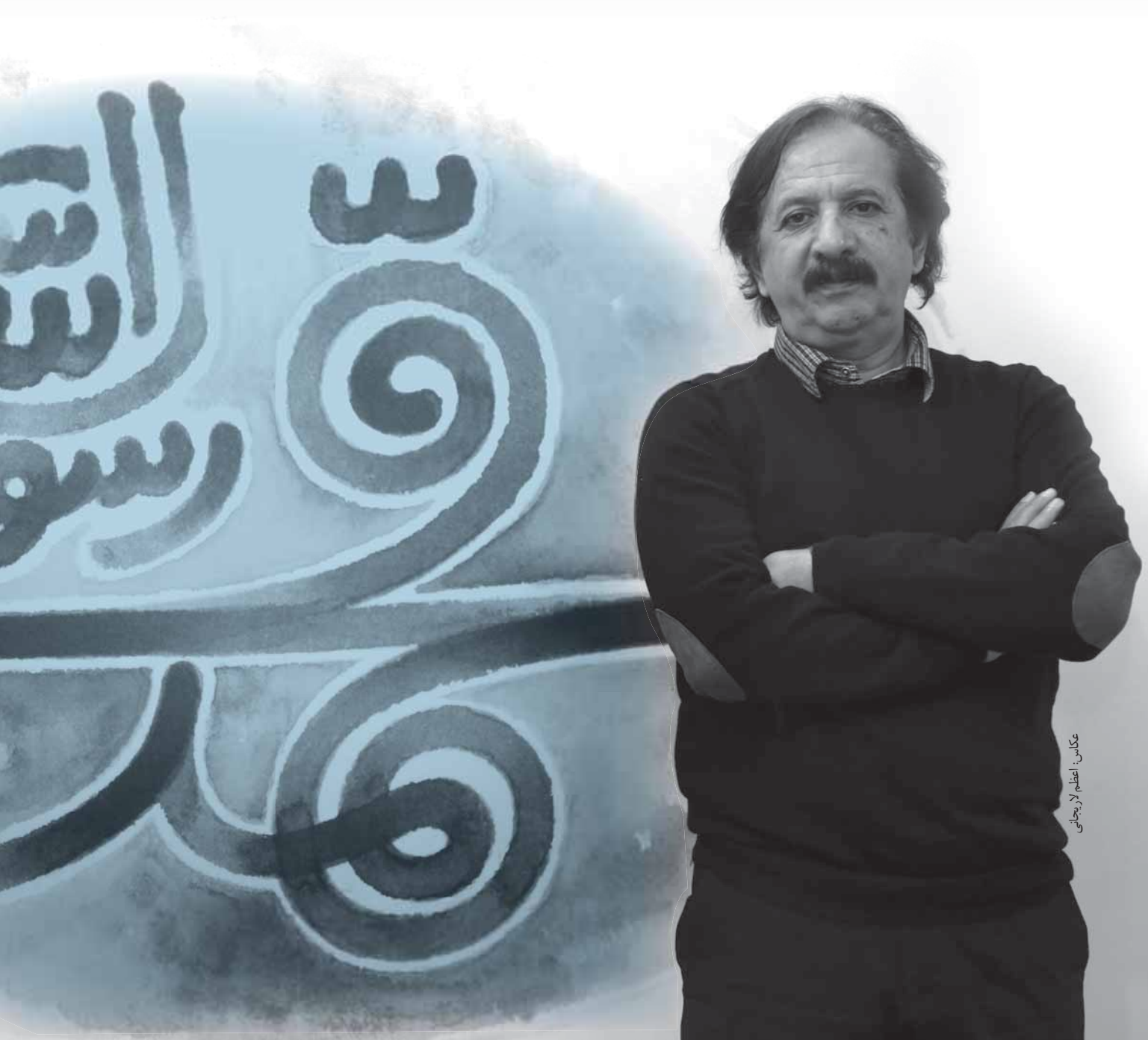


# تاریخ در تصویر

گفت و گو با مجید مجیدی  
کارگردان فیلم محمد رسول الله (ص)

گفت و گو: مسعود جوادیان



## مجید مجیدی

**مجیدی** در ۲۸ فروردین ۱۳۳۸ در شهر طالش به دنیا آمد. وی پس از دریافت مدرک دیپلم، در تهران، تحصیلاتش را در زمینه هنرهای زیبا ادامه داد و فعالیت هنری‌اش را قبل از انقلاب اسلامی ایران در عرصه تئاتر آغاز کرد. اولین اجرای وی در تئاتر شهر تهران، ایفای نقشی در نمایش «نهضت حروفیه» به کارگردانی **داوود دانشور** بود. سپس در سال‌های دهه ۶۰ و ۷۰ هجری شمسی به تجربه‌هایی در زمینه بازیگری در سینما دست زد. او در فیلم بایکوت در نقش یک کمونیست سرخورده، در فیلم تیرباران در نقش شهید سید علی اندرزگو، و در فیلم دو چشم بی‌سو در نقش یک معلم توده‌ای نقش ایفا کرد.

در سال‌های بعد مجیدی به کارگردانی روی آورد. اولین فیلم‌های او چند فیلم کوتاه بود، سپس اولین فیلم بلند وی به نام **بدوک** در سال ۱۳۷۰ برنده جایزه از جشنواره فیلم فجر شد.

مجیدی تا پایان سال ۲۰۰۶ میلادی، تنها کارگردان ایرانی بود که فیلمی از او نامزد دریافت جایزه اسکار شده است. **بچه‌های آسمان** یکی از پنج نامزد بهترین فیلم خارجی زبان، در اسکار ۱۹۹۸، بود. همچنین او دوبار برنده جایزه بهترین فیلم و جایزه کلیسای جهانی در جشنواره بین‌المللی فیلم مونترال شده که در تاریخ این جشنواره بی‌سابقه است. مجیدی برای فیلم **پدر** تقدیرنامه فیلم برتر را از چهاردهمین جشنواره فیلم لندن کسب کرده است. همچنین جایزه ویژه هیئت ملی بازیگری فیلم را برای فیلم **آواز گنجشک‌ها** در سال ۲۰۰۹ به‌دست آورد و نامزد خرس طلایی جشنواره بین‌المللی فیلم برلین برای همین فیلم در سال ۲۰۰۸ شد. از او به غیر از فیلم‌نامه‌هایی که خودش نوشته و کارگردانی کرده، یک کتاب نیز به نام **لاله و پونه** منتشر شده است. آخرین اثر او فیلم **محمد رسول‌الله (ص)** است.

## اشاره

پرونده این شماره کامل بود که آقای **محبت‌الله همتی**، (مشاور مدیر کل)، موضوع گفت‌وگو با آقای مجید مجیدی، کارگردان فیلم محمدرسول‌الله (ص) را مطرح کرد و گفت که ایشان، برای مصاحبه درباره این فیلم اعلام آمادگی کرده است. مانند که چه کنم. گفت‌وگو می‌توانست برای شماره بعد بدون عجله و با فراغت انجام شود اما قدری دیر می‌شد، زیرا چندین ماه پس از اکران فیلم چاپ می‌شد و دیگر برای خواننده جذابیتی نداشت. پس تصمیم گرفتم

مصاحبه در همین شماره منتشر شود که البته لازمه آن قدری شتاب و جابه‌جا کردن مطالب آماده‌ای بود که در آستانه چاپ قرار داشت.

سرانجام همراه آقای همتی و خانم اعظم لاریجانی (عکاس) عازم خیابان گاندی شدیم، که دفتر آقای مجیدی در آنجا واقع بود. قدری زود رسیده بودیم و فقط خانم منشی حضور داشت. دیوارهای آپارتمان با تصویری از فیلم محمدرسول‌الله (ص) تزئین شده بود. چند دقیقه بعد، آقای مجیدی که فیلم او موضوع رسانه‌ها و به‌ویژه مجلات سینمایی است از راه رسید. اول بار بود که او را از نزدیک می‌دیدم. ادب و فروتنی‌اش موجب شد که احساس راحتی کنیم و گفت‌وگو در فضایی صمیمی پیش برود.

جناب مجیدی، خوشحال هستم که امکان مصاحبه مجله رشد تاریخ با جنابعالی فراهم شد. به شما برای ساخت این فیلم خسته نباشید می‌گویم. می‌دانم کار شما در مقایسه با کار مصطفی عقاد [کارگردان فیلم رسالت یا محمد رسول‌الله] بسیار دشوارتر بوده است، اما به هر حال فیلم شما را با آن مقایسه می‌کنند. مصطفی عقاد دوره‌ای از زندگی رسول خدا (ص) را ساخته که در منابع تاریخی، درباره آن، مطلب زیاد وجود دارد. هر یک از غزوات رسول خدا (ص) به تنهایی می‌تواند خود موضوع یک فیلم مستقل سینمایی باشد و خوراک آن، در کتب تاریخی موجود است، در حالی که درباره دوره کودکی ایشان مطالب مستند و تاریخی چندانی وجود ندارد؛ بنابراین، از این حیث تبدیل دوره کودکی رسول خدا (ص) به یک فیلم سینمایی دشوار است.

بله همین‌طور است. پیامبر (ص) تا شش سالگی نزد حلیمه است، با مادر به یثرب می‌رود، که در آن مسیر مادر مریض می‌شود و فوت می‌کنند. پس از آن پدر بزرگ، عبدالمطلب، نیز در سن هشت سالگی پیامبر (ص)، از دنیا می‌رود و سرپرستی ایشان را ابوطالب، عمویش، به عهده می‌گیرد. این کل چیزی است که شما در تاریخ می‌بینید، چیز دیگری در تاریخ وجود ندارد. به همین دلیل، ما برای اینکه به منابع مستندی درباره کودکی پیامبر (ص) دست پیدا کنیم وقت بسیار زیادی صرف کردیم. کار ما کلاً هفت سال طول کشید. از این مدت چیزی نزدیک به سه سال صرف پژوهش شد. دیدیم هیچ منبعی در تاریخ وجود ندارد؛ نه عکسی نه تصویری نه چیزی. مثل کاری که در مسیحیت درباره حضرت عیسی (ع) انجام شده است، در تاریخ اسلام نداریم.

من نمی‌دونم شما مکه مشرف شده‌اید یا نه، در خود مکه



پاسخگو باشیم؟ من همیشه فکر می‌کنم اگر بچه من در کشورهای غربی به دنیا آمده بود و این تصویری را که امروز از اسلام ارائه می‌شود، مثل خشونت و داعش و یا سلفی‌های تکفیری، می‌دید چه تصوّر خطرناک و وحشتناکی در ذهنش شکل می‌گرفت؟ لذا به نظرم طبیعی است که در غرب چنین واکنش‌هایی را در مقابل نشان می‌دهند. البته من مردم غرب را عرض می‌کنم نه کسانی که سیاست‌گذاری می‌کنند و به عمد تلاش دارند چهره اسلام را جور دیگری نشان دهند.

من بهترین راه مقابله با این وضعیت را فرهنگ‌سازی می‌دانم و باید در این حوزه کار کنیم. مؤثرترین راه هم، به نظر من، فیلم‌سازی است. برای همین بود که ما آمدم یک شهرک خیلی بزرگی ساختیم که حالا ان شاء الله از این شهرک هم، دوستان می‌توانند بازدید داشته باشند و از آنجا گزارشی هم تهیه بکنند. این شهرک را به گونه‌ای ساخته‌ایم که حداقل بتوانیم تا سی سال آن را حفظ کنیم. اجزای آن را یک به یک ساخته‌ایم، عین مکّه ۱۴۰۰ سال پیش است. در این مورد ما تحقیق وسیعی انجام دادیم. موقعیت‌های مکانی یا لوکیشن‌هایی را هم که گیر آوردیم کاملاً منطبق بر ۱۴۰۰ سال پیش است. می‌دانید مکّه در داخل کوه‌ها محصور است. از یک طرف به سمت شعب ابیطالب محدود است که یک دره است و بعد هم کوه صفا. ما تمام این کوه‌ها و موقعیت‌های جغرافیایی را در شهرک فضا‌سازی کردیم، که دستمایه و سرمایه بسیار

بسیاری از اماکنی را که متعلق به پیامبر(ص) و ائمه(ع) بوده ویران کرده‌اند: من اولین بار که رفتم مکّه سال ۷۹ بود و سال‌های بعد هم رفتم. تقریباً همه نشانه‌های جغرافیایی و مکانی از بین رفته است. جدیداً که برای کارم رفته بودم دیدم دیگر هیچ اثری از آن باقی نمانده است!

بنابراین ما تلاش کردیم از حوزه تاریخ کشورهای دیگر مثل یمن، مراکش، عراق، تونس و لبنان نیز از کسانی که در این حوزه کار کرده‌اند مثل **سید مرتضی** که سیره پیامبر(ص) را کار کرده است کمک بگیریم. گردآوری این منابع خودش دستاورد بزرگی برای این پروژه بود. از نظر من، این یک فیلم سینمایی نیست، بلکه می‌تواند آغاز نهضت فیلم‌سازی باشد. ما مسلمانان در مورد پیامبر اسلام (ص) کوتاهی کرده‌ایم. تاکنون در دنیا، ۲۰۰ فیلم درباره حضرت عیسی (ع) ساخته شده است؛ اعم از مستقیم یا غیرمستقیم و این غیر از سریال‌هایی است که ساخته شده. در مورد پیامبران دیگر هم حدود ۶۰ یا ۷۰ فیلم ساخته شده است. حتی در مورد بودا که پیامبر توحیدی نیست ۴۲ فیلم سینمایی ساخته‌اند. اما راجع به پیامبر اسلام (ص) فقط یک فیلم آن هم در ۴۲ سال پیش ساخته شد و یکی هم که ما ساختیم. می‌بینید که در جهان اسلام خیلی غفلت شده است. امروز تصویری که از اسلام برای ما ساخته‌اند ببینید چگونه ارائه می‌شود و روزبه‌روز هم دامنه آن گسترده‌تر می‌شود! ما چگونه باید



بزرگی برای آینده و فیلم‌هایی است که در این حوزه می‌تواند ساخته شود. حتی یک مرکز توریستی می‌تواند بشود. ما فکر کردیم، به‌خصوص برای مراکز آموزشی، برای معلم‌ها، دانش‌آموزها، دانشگاه‌ها و اساتید، هم به جهت معماری و هم تاریخ. **اصلاً در آن فضاها، تاریخ زنده می‌شود.** ما الان توافقاتش را با آموزش و پرورش کرده‌ایم. با آقای فانی، وزیر، هم دیدار داشته‌ایم. به هر حال ما با این رویکردها آنجا را ساختیم که در آنجا آثار زیادی راجع به اسلام ساخته شود تا بلکه قرائت درست و صحیح از اسلام به‌وجود آوریم.

نکته‌ای که شما درباره فیلم عقاد فرمودید درست است. عقاد مقطعی از زندگی پیامبر(ص) را کار کرد که سرشار از بار دراماتیکی است، و لذا امکانات زیادی در اختیار فیلم‌نامه‌نویسی می‌گذارد. یکی از ایرادهای منتقدین فیلم ما این است که می‌گویند این فیلم قصه ندارد. من نمی‌دانم از نظر آن‌ها قصه یعنی چی؟ ما می‌گوییم خوب؛ مردمی که به سینما می‌آیند آن قدر فیلم برایشان جذاب هست که به مدت سه ساعت می‌نشینند و آن را نگاه می‌کنند. این جذاب بودن دلیلش چه می‌تواند باشد؟ بدیهی است قصه‌ای که مربوط به دوران بعد از رسالت پیامبر(ص) باشد حاوی وقایع بسیار زیادی است. ما خدمت آیت‌الله جوادی آملی رفتیم، ایشان خیلی در این پروژه به ما لطف داشتند، کلیدهای خوبی را به ما دادند. گفتند مقطعی را که شما برای این کار انتخاب کرده‌اید مقطع سخت و چالش‌برانگیز است، به جهت اینکه راجع به آن سندی در تاریخ وجود ندارد. مثال زدند و گفتند: مثل این می‌ماند که شما بروید در منطقه ابعلی و بگویید ما آب گوارا و یا چشمه گوارا می‌خواهیم خب آنجا پر از چشمه است! اگر شما بروید در یک کویر و آنجا دنبال چشمه بگردید، آن معنا دارد. اما چرا این مقطع زمانی را شروع کردیم؟ علتش این بود که در اصل می‌خواستیم یک سه‌گانه‌ای بسازیم؛ البته اگر توفیقی باشد. مثلاً الان تا ۱۳ سالگی پیامبر(ص) کار شده، فیلم بعدی را از ۲۵ سالگی یا از دوران جوانی ایشان تا فوت حضرت خدیجه خواهیم ساخت، که در واقع یکی از نقاط برجسته اسلام، خود ساحت مقدس حضرت خدیجه (س) است، که نقش بی‌ظیری در تاریخ اسلام ایفا کرد. قسمت سوم هم در مورد هجرت پیامبر(ص) از مکه به مدینه خواهد بود. فیلم اولی که اکنون ساخته‌ایم مقطع کودکی پیامبر(ص) است؛ یعنی مقطعی که شاید کمتر فیلم‌سازی جرئت می‌کرد به سمت آن برود. من، با توجه به تجربه‌هایی که در حوزه کودک داشتم و سال‌ها در ایران در این حوزه کار کرده بودم خیلی علاقه‌مند بودم که این مقطع سخت را انتخاب

کنم. ضمناً اصلاً نگاهم این نبود که فیلم فقط برای جوامع اسلامی باشد. **خواستیم فیلمی بسازیم که برای همه ادیان باشد.** همچنان که معتقدم پیامبر خدا (ص) فقط برای مردم مسلمان نیامده، بلکه برای همه جهانیان مبعوث شده است. پس ما با این رویکرد کار کردیم که فیلم برای تمام اقشار و در همه جوامع قابل درک باشد؛ ولی از آنجا که این‌گونه فیلم‌ها برای جهان اسلام، با توجه به نوع حساسیتی که بخصوص بعد از رسالت وجود دارد، چالش‌برانگیز است سعی کردیم در ساختن آن هیچ خدشه‌ای به عقاید مسلمانان وارد نکنیم؛ نه به شیعه و نه به اهل تسنن. مخصوصاً فکر کردیم مقطع کودکی، مقطع چالش‌برانگیزی هم نیست.

### ۶ یعنی شما به دنبال این نبودید که این فیلم را با نگرش شیعی بسازید؟

۶ اصلاً. اگر چه ما اعتقاد داریم که به هر حال شیعه در خیلی از وقایع و مسائل در طول تاریخ حقانیت دارد ولی اساساً با این نگاه فیلم را نساختیم. در واقع اگر این کار را می‌کردیم جفای بزرگی به ساحت پیامبر بزرگ اسلام کرده بودیم؛ آن هم در چنین برهه‌ای از تاریخ که بیش از هر چیز در جهان اسلام احتیاج به وحدت هست. روزنامه گاردین انگلیس، قبل از اینکه این فیلم بیرون بیاید نوشته بود که این فیلم می‌تواند خیلی چالش‌برانگیز باشد و بین شیعه و سنی اختلافات بزرگی را دامن بزند، اما بعد که فیلم در **مونترال** اکران شد و همه دیدند همین گاردین حرفش را پس گرفت و نوشت برخلاف تصویری که می‌کردیم، این فیلم اسباب یک وحدت بزرگ در جهان اسلام خواهد شد. البته با همه تمهیداتی که ما به خرج دادیم علمای عربستان سعودی و جامع‌الزهر مصر بدون اینکه فیلم را ببینند آن را محکوم کردند و جلوی نمایش فیلم را گرفتند. الان داریم تلاش می‌کنیم با سفرهایی که می‌رویم خطاب به علما بگوییم که شما قبل از اینکه فتوا علیه فیلم بدهید حداقل فیلم را ببینید و بعد فتوا بدهید!

### ۶ شما خبر دارید که این فتواها تأثیری هم داشته یا نه؟ چون خیلی از مردم ممکن است اعتنا نکنند.

۶ البته تأثیر که دارد. در ایران عرض نمی‌کنم، ولی در خارج چرا، ما با چندین کمپانی قرارداد داشتیم. مثلاً با هند، اندونزی، مالزی، سنگاپور، پاکستان و خیلی از کشورهای اسلامی، حتی با کمپانی‌های اروپایی و آمریکایی در فروش فیلم در مرحله عقد قرارداد بودیم ولی بعد از فتوایی که آن‌ها دادند همه عقب کشیدند چون ترسیدند. به هر حال ما با چنین چالش‌های بزرگی هم روبه‌رو هستیم.

É یک موجی هم از داخل کشور راه افتاد در انتقاد به حضرت عالی. برداشت خودم این است که خیلی برای این فیلم زحمت کشیده شده ولی آن را نادیده می گیرند. این مخالفت های داخلی شاید منشأش حسد باشد. به نظر شما آیا می تواند دلیل دیگری هم داشته باشد؟

È متأسفانه همین طور است. راستش نمی خواهم وارد این وادی بشوم. می گویند ۱۱۰ میلیارد تومان هزینه این فیلم شده، در حالی که با این پول می شد صدتا فیلم ساخت. ما می گوئیم آن فیلم هایی که باید ساخته شود که دارد ساخته می شود. در کشور ما سالی هفتاد، هشتاد تا فیلم ساخته می شود و روال خودش را دارد. در این خصوص باید توضیحی را عرض کنم. اول اینکه منابع مالی این فیلم، یعنی پولی که گرفته شده اساساً از اعتبارات دولتی نبوده؛ حتی یک ریالش. یعنی از اعتبار بودجه هنر کشور نبوده که حالا فرض بگیرید

من از بودجه فرهنگی وزارت ارشاد بخشی را گرفته باشم و لذا حالا وزارت ارشاد لنگ شده باشد. به هر حال معتقدم این فیلم هم یک فیلم ملی است و اساساً فیلم بزرگی است و نباید آلوده مسائل حاشیه ای شود. بودجه این فیلم از سوی بنیاد مستضعفان تأمین شد، ضمن اینکه از محل همین بودجه

ما یک شهرک سینمایی ساختیم که حدود سی و چهار میلیارد تومان هزینه برداشت؛ البته این شهرک حداقل تا سی سال باقی خواهد ماند و مورد استفاده خواهد بود. همین الان که من خدمت شما هستم ارزش افزوده این شهرک بالای صد میلیارد تومان است. چون شهرک شش هفت سال پیش با دلار هزار تومان ساخته شد.

ولی ما شهرکی ساختیم که همین الان خیلی از کشورها برای ساخت سریال در آن، درخواست کرده اند، از ترکیه، مالزی، و کشورهای عربی. الان قطر خیلی دنبال این است که در این شهرک فیلم بسازد. همین طور آنجا یک جاذبه توریستی به وجود آمده و قرار است برای بازدید از آن

بلیط فروشی شود. علاوه بر این، ما شاید ۱۰ تا ۱۲ میلیون دلار هم وسیله وارد کردیم؛ وسایل و تجهیزاتی که در طول صدسال سینمای ایران بی سابقه است. مثلاً ژنراتورهایی به کشور وارد کردیم که خود این یک دستاورد بزرگی برای صنعت سینمایی کشور است. اینها مواد مصرفی نیست که از بین برود بلکه برای سینمای کشور استفاده می شود یعنی به اندازه چند برابر تجهیزات کل کشور تجهیزات وارد کردیم که خود آنها را، اگر ارزش افزوده اش را حساب کنید بالغ بر سی، چهل میلیارد می شود. همچنین در حوزه اکسوار و لباس و صحنه که نگاه کنید ما یک آرشیو بسیار قوی در یکمتر ۱۷ کرج ایجاد کردیم که خودش یک گنجینه ذیقیمت است. از شمشیر، سپر، لباس، وسایل زندگی و ظروف، هرچه شما بگویید، ما آنجا ساختیم. این خودش دستاورد بزرگی است. بعضی از عوامل ما از عوامل خارجی بودند. خوب ما رفتیم سراغ بهترین ها در دنیا، یکی از دلایلی این بود که خواستیم این فیلم حتماً در استانداردهای جهانی ساخته شود. ما وقتی خواستیم ماجرای **عام الفیل** را به تصویر بکشیم اگر از امکانات روز دنیا بهره مند نبودیم نمی توانستیم کار را به این زیبایی درآوریم که شما در فیلم می بینید.

È یعنی انگیزه تان صاحب نام بودن طرف نبوده که نامش باعث فروش فیلم شود؟

È نه اصلاً این طور نیست. شما ببینید آقای **ویتوریو استوارو**، یک فیلم بردار جهانی و دارای سه جایزه اسکار است. معروف است که او با نور نقاشی می کند. همین طور هم هست. تمام تصاویر فیلم محمدرسلولله (ص) مثل تابلوی نقاشی است. یعنی من آقای استوارو را با این آگاهی آوردم که یقین داشتم بعضی از تصاویر او در این فیلم تبدیل به تصاویر ماندگار در تاریخ مذهبی ما خواهد شد. لذا ما با صحبت هایی که با وزیر آموزش و پرورش، آقای فانی، کردیم به ایشان گفتیم می توانید به خاطر سلامت و جذابیت این تصاویر در مقاطع مختلف از دبستان تا دبیرستان در منابع درس استفاده کنید.

È جناب مجیدی! یک جایی خواندم و الان هم شما فرمودید که پشت این کار، یک پژوهش تاریخی وجود دارد و شما سعی کرده اید فیلمتان مستند باشد. ابتدای فیلم هم نقل قولی از حضرت عالی وجود دارد مبنی بر اینکه این فیلم هم مستندات و هم جاهایی برداشت آزاد خودتان است. خب یک جاهایی می شود برداشت آزاد کرد مثل آنجا که حلیمه از رفتن پیامبر (ص) دلگیر می شود و اشک می ریزد ولی یک جاهایی نمی شود. صحنه هایی از فیلم حداقل جزء مشهورات تاریخی نیست یا در منابع نیست یا اگر بوده

روزنامه گاردین انگلیس، قبل

از اینکه این فیلم بیرون بیاید

نوشته بود که این فیلم می تواند

خیلی چالش برانگیز باشد و بین

شیعه و سنی اختلافات بزرگی

را دامن بزند، اما بعد که فیلم در

مونترال اکران شد و همه دیدند

همین گاردین حرفش را پس

گرفت

بعضی از پژوهشگران اساس آن را قبول ندارند، مخصوصاً چون جزء مشهورات تاریخی نیست، بیننده، چه مسلمان و چه غیرمسلمان برایش سؤال می‌شود که این از کجا آمده. احتمالاً به گوش شما هم خورده که ایراداتی وارد کردند. من برخی را یادداشت کرده‌ام. یکی یکی می‌گویم حضرت عالی اگر توضیحی هست بفرمایید.

ع باید بدانیم سینماگری چیست و هدف از سینما چیست. اینکه بیاوریم یک فیلم تاریخی را لحن به لحن و عین تاریخ بسازیم هنر نیست. شما خودتان کار تاریخی، پژوهشی، علمی کرده‌اید و می‌دانید. ساحت هنر به نظر من ساحت کشف و شهود هست. در واقع می‌شود گفت به نظر من آن وجه غالب و تأثیرگذارش تفسیر و نگاه هنرمند هست. البته نه اینکه بخواهد خلاف عمل کند. شما فرض بفرمایید صحنه دریا، هیچ جای تاریخ نیامده بود. سؤال از شما و از کسانی که دنبال وجه تاریخی می‌گردند این است که آیا در وجود مقدس پیامبر(ص) وجود یک همچنین اتفاقاتی غیرممکن بوده؟ اول اینکه پیامبر(ص)، پیامبر همه هستی است؛ پیامبر همه عالم است. یعنی رسالت او تنها به بشر محدود نمی‌شود؛ اشیاء، موجودات و حیوانات را هم دربرمی‌گیرد. در تاریخ ابن هشام و تاریخ طبری و شیخ صدوق پر از این مطالب است که مثلاً درخت‌ها در برابر ایشان سر تعظیم فرود می‌آوردند. می‌خواهم بگویم آیا اساساً با نشان دادن این صحنه‌ها چقدر می‌توان آن حسی را که نسبت به پیامبر(ص) داریم نشان داد. و تأثیرگذاریش کجاست؟ مثلاً صحنه دریا و حضور پیامبر(ص) در یک جایی که قحطی است، نه تنها حضورش بلکه اقدام پیامبر(ص) علیه ظلم، در واقع پیامبر(ص) یک اقدامی انجام داد که به نظرم در آن صحنه‌ها، تجلی تمام پیامبران است. خیلی آمده‌اند دست روی این مسئله گذاشته‌اند که پیامبر اصلاً معجزه نداشته، و پیامبر ما معجزه‌اش قرآن بوده. بله بزرگ‌ترین معجزه آن حضرت قرآن بوده ولی در هر دوره‌ای نوع معجزات فرق می‌کند. مثلاً حضرت موسی(ع) عصا را تبدیل به اژدها کرد، یا حضرت عیسی(ع) دعا می‌کرد و از آسمان ماهی می‌آمد! باورش مشکل است ولی این گونه اتفاق‌ها، کوچک‌ترین چیزهایی است که می‌تواند به دست پیامبر ما هم اتفاق بیفتند. اینکه بیاورند عده‌ای فقط روی این موضوع توقف نکنند که پیامبر کجا یک همچنین معجزه‌ای کرد و اینکه دست گذاشت روی سینه حلیمه و نفس کشید و... می‌گویم آقا شما چرا اصل مطلب را متوجه نمی‌شوید که پیامبر(ص) آنجا چه کار می‌کند؟ ایشان وقتی می‌آید بالای سر حلیمه، دقیقاً چه کار می‌کند؟ آیینی که آنجا وجود دارد، آیین بت پرستی است

و پیامبر(ص) در همان جا اولین مبارزه‌اش را با شرک و بت‌ها شروع می‌کند، بت‌ها را می‌زند و می‌ریزد. اینجا در واقع نور پیامبری است که در آن حضرت تجلی می‌کند و حلیمه را شفا می‌دهد. شفا دادن، در ادیان و مذاهب، یک امر خیلی طبیعی و عادی است. مردم به امام‌زاده‌ها می‌روند متوسل می‌شوند و شفا می‌گیرند! اگر صحنه دریا وجود داشت و ما یک جور دیگر آن را نشان می‌دادیم من با حرف شما موافق بودم؛ فرض بفرمایید اینکه، مثلاً، در سوره فیل، کلاغ را مثلاً شکل دیگری نشان می‌دادند. مثلاً اگر به جای کلاغ‌ها نشان می‌دادیم که عقاب‌ها آمدند و به جای فیل‌ها هم دایناسورها می‌آمدند و آن‌ها را قلع و قمع می‌کردند حق با شما بود. آقای اسکات همین کار را کرده! او در فیلم جدیدش که در مورد حضرت موسی است و سال گذشته اکران شد اصلاً آمده روایت موسی را جعل کرده و حتی روایت خود تورات را هم زیر سؤال برده

است. در صحنه‌ای که فرعون حضرت موسی(ع) و یاران او را تعقیب می‌کند می‌دانیم که به فرمان حضرت موسی(ع) دریا شکافته می‌شود و آن حضرت با یارانش از وسط دریا عبور می‌کنند. اما اسکات نشان می‌دهد که پیامبر وقتی به کنار دریا می‌آید سونامی می‌شود. یعنی واقعه معجزه را تبدیل به سونامی کرده و اصل موضوع را زیر

سؤال برده است. بله! اگر یک

همچنین کاری را ما کرده باشیم حرف شما درست، یعنی درواقع خلاف روایت و واقعه تاریخی عمل کرده‌ایم. ولی در این فیلم ما هیچ جا خلاف واقع عمل نکردیم. البته ما نگاه دراماتیک به صحنه داده‌ایم ولی آنجا که موضوع روایت تاریخی است شما یک مورد را پیدا کنید که تاریخی بوده و ما خلاف آن عمل کرده باشیم.

آقای مجیدی! آیا از علمای ایران هم کسی فیلم را دیده‌اند؟

ع شخصاً نه، ولی همه نماینده‌های ایشان دیده‌اند. نمایندگان آیات عظام وحید خراسانی، مکارم شیرازی، جوادی آملی و ... غیر از خود حضرت آقا (مقام معظم

ما خدمت آیت الله جوادی

آملی رفتیم، ایشان خیلی

در این پروژه به ما لطف

داشتند، کلیدهای خوبی را به

ما می‌دادند. گفتند مقطعی را

که شما برای این کار انتخاب

کرده‌اید مقطع سخت و

چالش برانگیز است



**رهبری** که وقت گذاشتند و فیلم را کامل

دیدند. نماینده‌ها هم که عرض می‌کنم نماینده‌های

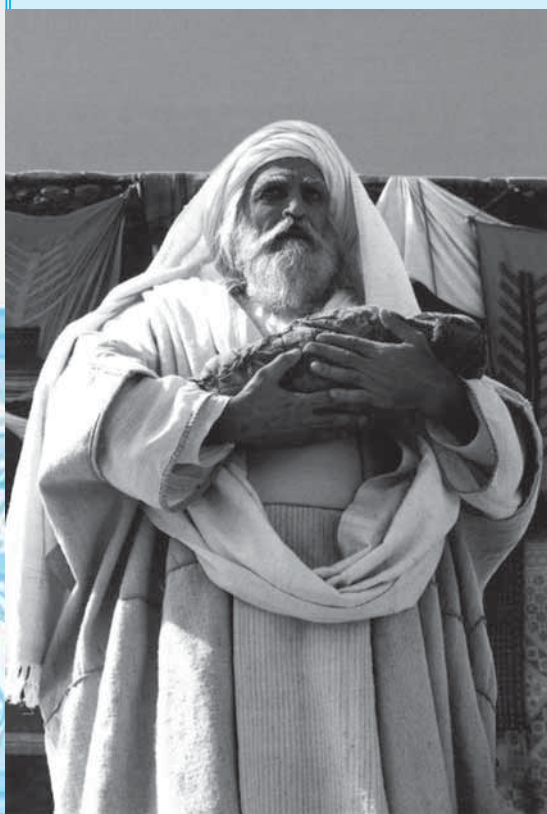
ویژه آن‌ها بوده‌اند.

**ع‌بالاخره یک فیلم یا باید مستند باشد یا برداشت شما باشد درست است که شأن پیامبر(ص) و حتی اولیا...**

ع‌ ببینید من هدف را می‌گویم.

**ع‌ من یکی دو قسمت آن را عرض کنم، ببینید: در فیلم بیننده حس می‌کند که یهودیان قدم‌به‌قدم به دنبال پیامبرند، در حالی که این یک روایت تاریخی ضعیفی است. مثلاً ساموئل کجای تاریخ هست؟**

ع‌ یهودیان از ۲۵۰ سال قبل از ولادت پیامبر(ص) می‌آیند به خیر و آنجا سکنی می‌گزینند زیرا می‌دانند که آخرین پیامبر از این سرزمین ظهور خواهد کرد. می‌آیند منطقه خیر و به امید اینکه آنجا زادوولد کنند. تا پیامبر از خودشان باشد. ضمن اینکه ما که اصلاً بحث یهودستیزی نداشتیم، در این فیلم تلاش می‌کردیم به همه ادیان احترام بگذاریم، ما در کانادا گروهی از یک جمعیت یهودی را دعوت کردیم آمدند این فیلم را دیدند. فیلم در مونترال نمایش داده شد و خودم هم آنجا حضور داشتم. آن‌ها حس خوبی داشتند. ببینید متأسفانه بعضاً ما را می‌ترسانند که سراغ تاریخ نرویم. یکی دو ماه دیگر اکران سراسری فیلم در



ترکیه شروع می‌شود که اکران‌های دیگری هم داریم. چند روزی در دانمارک، لهستان، سوئد و در کشورهای دیگر. مثلاً فرانسه برای پخش فیلم خیلی درخواست‌های ویژه دارد ولی باید بحث علمایش را یک‌جور حل کند. اما در مورد سؤال شما، در تاریخ عین این ساموئل وجود ندارد، ولی به هر حال ساموئل به‌عنوان نماینده هر قشر رادیکال در همه ادیان هست. در مسیحیت هست، در یهودیت هست. ما که با اصل دین یهود، ستیزی نداریم؛ بلکه می‌گوییم آن نگاه رادیکالی که معتقد است اگر پیامبر آخرالزمان از قوم آن‌ها نباشد اصلاً مشروعیتی ندارد. حالا تعجب می‌کنم که شما می‌گویید این در کجای تاریخ آمده است. یکی از اشکال‌های فیلم مصطفی عقاد این است که در آن ردی از یهود و جنگ‌های پیامبر(ص) با یهودیان وجود ندارد؛ در حالی که شما می‌دانید چقدر یهود تلاش در ساقط کردن پیامبر(ص) داشته است. من عرض کردم که دیکته نانوشتنه که غلط ندارد؛ بالاخره این فیلم حتماً نقصان در بعضی از حوزه‌ها دارد که من منکر آن نیستم.

**ع‌یا مثلاً گفت‌وگوی ابولهب با همین یهودی یا آنجایی که ابوسفیان با ابوطالب گفت‌وگویی دارد. ابوسفیان می‌گوید من پیامبر را قبول دارم و اگر بیایم جزء پیروانش شوم چه به من می‌رسد، که البته موضوع صحبت عوض می‌شود و می‌رود سر تحریم. ع‌ ابوسفیان چقدر تلاش کرد که ابوطالب را همراه خودش کند؟**

**ع‌ ابوسفیان در فتح مکه مسلمان شد چون دیگر چاره‌ای نداشت...**

ع‌ به هر حال ما همیشه دشمن را، احق فرض می‌کنیم، در حالی که اگر احق بود نمی‌توانست آنقدر حکومت کند. بنی‌امیه خیلی زرنک بودند که توانستند این همه سال حکومت کنند. ابوسفیان واقعاً یک تئوریسین بزرگ بود. شما مجموعه این‌ها را مطالعه می‌کنید می‌بینید از یک سو چقدر این‌ها آدم‌های زرنکی بودند و از سوی دیگر پیامبر(ص) چقدر زرنک‌تر بوده که توانسته است با آن‌ها یک مبارزه درست و اصولی داشته باشد. به نظر من، برداشتی که از ابوسفیان در تاریخ می‌شود، حالا ممکن است عین این کلمه را نگفته باشم، ولی می‌گویم برآیند همه این برداشتها نشان می‌دهد که ابوسفیان آدم زیرک و باهوشی بوده. او تمام تلاشش را می‌کرد که ابوطالب را به جبهه خودش بیاورد. یعنی واقعاً در این فیلم یک ادای دینی شده به ساحت مقدس ابوطالب که تاریخ جفای بزرگی در حقش کرده است.

به نظر من مصطفی عقاد یک ابوطالب با شخصیت ضعیف را نشان می‌دهد که به نظرم جفای بزرگ به اوست؛ آدمی

است گوشه‌نشین، طرد شده و محافظه‌کار!

آیا متقابلاً شما اینجا حمزه را ضعیف نشان نداده‌اید؟ ما ابهتی را که باید در وجود حمزه ببینیم در این بازیگر و صحنه نمی‌بینیم.

حمزه این قدر بیشتر نقش نداشته، اول اینکه ابهت را شما چه تصور می‌کنید؟ فکر می‌کنم تصویر ذهنی همه ما همان حمزه مصطفی عقاد است! نه؟

من اصلاً کار به فیلم عقاد ندارم اما ببینید در نبرد خندق وقتی عمرو بن عبدود، هم‌اورد می‌خواهد هیچ کس حاضر نمی‌شود برود و رسول خدا(ص) از سر ناچاری علی(ع) را می‌فرستند بعد آنجا رو به آسمان می‌گویند خدایا در احد حمزه را از من گرفتی این را دیگر برای من حفظ کن. یعنی روایت نشان می‌دهد که حمزه یک پهلوان بزرگ بوده است.

در مقطعی که ما کار کردیم نقش حمزه کوتاه بوده شاید اگر مقطع زمانی بیشتری بود بیشتر جلوه می‌کرد و بیشتر دیده می‌شد. من برای حمزه خیلی تلاش کردم چهره‌ای که می‌خواستیم انتخاب کنیم؛ چهره‌ای باورپذیر و دوست‌داشتنی باشد. عرض می‌کردم خدمت شما، نکته‌ای که خیلی برای من اهمیت داشت نقش خود ابوطالب بود که در تاریخ خیلی به او جفا شده و ما تلاش کردیم که شخصیت او را به گونه‌ای نشان دهیم که در واقع عین وقایع تاریخی باشد. شما نگاه کنید که ظرفیت فیلم سه ساعت است. البته خود فیلم، آن ورژن اصلی‌اش، پنج ساعت و نیم است یا حول و حوش ۶ ساعت، ان‌شاءالله بعد از چند سال که اکران‌های جهانی هم شد سریالش را هم آماده می‌کنیم.

قطعاً برای یک وجود مقدسی مثل پیامبر(ص)، یا شخصیتی مثل حمزه یا هر شخصیت دیگری که کنار پیامبر(ص) است هر کدام از این‌ها خودش یک اسطوره است. این‌ها قطعاً یک ظرف خیلی جامع و بزرگ‌تری می‌خواهد. یکی از اشکالاتی که در تاریخ وجود دارد و من به آن قائل هستم این است که آن ظرفی که می‌خواهد آن مطالب را بگوید خیلی محدود است. قطعاً این فیلم اگر از ابتدا بنا بود به صورت سریال ساخته شود قطعاً جای پرداخت بیشتری داشت. یعنی همین موضوع را اگر شما بخواهید در یک بازه زمانی ۲۰ ساعته یا ۳۰ ساعته تعریف کنید خوب خیلی وقایع و نقاط برجسته‌تری می‌توانست توصیف شود ولی به هر حال تلاش شد که این فیلم در قالب یک فیلم سینمایی باشد. چرا؟ برای اینکه سینما تأثیرگذاری‌اش نسبت به سریال‌ها بیشتر است، ضمن اینکه سریال را کسانی دنبال می‌کنند که از قبل با آن یک هم‌زادپنداری داشته باشند؛ مضاف بر اینکه اگر فیلم سینمایی‌اش در جهان پخش شود، مخاطبش

بسیار خواهد بود.

اگر این فیلم به گونه‌ای تنظیم شود که در کلاس تاریخ اسلام قابل استفاده باشد و معلمان تاریخ در تدریس از این فیلم کمک بگیرند، خیلی خوب است ولی به صورت ۳ ساعته کنونی مشکل است.

حتماً همین‌طور است. یعنی این فیلم فرازهایی دارد. مثلاً شما فرض کنید همین ماجرای عام‌الفیل، این هم می‌تواند در کتاب‌های دینی بیاید و هم در کتاب‌های تاریخی. یعنی چند وجهی است. و از تصویر هم می‌شود استفاده کرد. پکیج خود آیه بیاید، کل وقایع که پنج دقیقه است پخش شود.

شما هم باید زحمت بکشید و به این روند نظارت کنید.  
بله قطعاً.

وقتی آقای همتی، از آقای مجیدی پرسید که از میان معلم‌های مؤثر دوره تحصیلی کسی را به خاطر می‌آورد. قدری مکث کرد، سپس گفت: یک معلم ادبیات داشتیم در دبیرستان نظام مافی به نام آقای معدنی. من در آخرین دوره قدیم نظام آموزشی بودم، کلاس نهم یا دهم بودم. آقای معدنی در تکوین ادبیات خیلی در شخصیت من مؤثر بود. راستش من در درس‌های دیگر خیلی درسم خوب نبود. تنها درسی که دوست داشتم ادبیات بود. انشاهای خیلی خوبی می‌نوشتیم و آقای معدنی هر وقت می‌آمد می‌گفت مجیدی بیا انشا بخوان. من هم به پشتوانه حمایت‌های او انشاهایی می‌نوشتیم که از آن‌ها خیلی تمجید می‌کرد. به همین دلیل هر وقت انشایی می‌خواندم تا یک هفته شارژ بودم. بعداً در حوزه هنر هم استادی داشتم و آن آقای قشقایی (شهید) بود. شهید قشقایی آن موقع دانشجوی دانشگاه هنرهای دراماتیک و در عین حال استاد تئاتر بود. آن سال من در سال دوم دبیرستان بودم و ایشان در حوزه هنر نقش به‌سزایی داشتند و سبب شد من به سمت هنر کشیده شدم.

راجع به درخت انشایی نوشتیم. در کلاس آقای معدنی، به یاد دارم که یک بار درخت را طوری توصیف کرده بودم که برای همه عجیب بود؛ حتی برای خود آقای معدنی. به هر حال، در کلاس انشاء این‌ها بذریه‌ای بود که در من کاشته شد و وقتی آقای قشقایی آمد توانست آن‌ها را رشد دهد. او فکر می‌کرد من خیلی می‌توانم در حوزه هنر کار کنم.

خیلی ممنون. از اینکه وقت‌تان را در اختیارمان گذاشتید سپاسگزاریم.